



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۲ شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷

میر: سید محمد باشمی

سال چهارم - شماره ۹۳۳

صفحه ۲۹۲۷

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۶۹

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات شصتین جلسه
- دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۲
- ۲ - اخبار مجلس ۱۲
- ۵ - آگهی های رسمی ۱۳

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۶۰

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

۱ - بقیه مذاکره در استیضاح

۲ - تبیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس ساعت ۸ و نیم قبل از ظهر بریاست جناب آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - بقیه مذاکره در استیضاح

حقوق عصر پنجشنبه همه مقابل مجلس داد و فریاد میکردند، نسبت با اعتراضاتی که بدانستگاه میشود اظهاراتی میکردند، بنده مأمور بودم عرایض خود را در مجلس شورای ملی بعرض برسانم و ناچار بودم در موقع طرح بودجه ضمیمه شدن بودجه را بهانه کنم و باین بهانه حرفی بزنم، آقایان نگذاشتند بنده توضیح بدهم، اگر بنده توضیحاتی میدادم تمام اینها روشن میشد و این همه جنجال و هیاهو نمیشد، بنده خودم دانشجوی دانشکده حقوق بودم چطور راضی میشوم اجحافاتی که میشود نسبت بدانستجویان در مجلس عرض نکنم.

رئیس - اظهارات اشخاص در روزنامه ها بهیچ وجه در مجلس اثری ندارد فقط اظهارات در صورت مجلس و روزنامه رسمی مؤثر است، آقای عباس اسکندری بفرمائید.

رئیس - چون جلسه پیش تنفس داده شده آقای عباس اسکندری بیانات خودشان را ادامه می دهند. بفرمائید.

اسلامی - بنده اخطار دارم عرایض بنده را روزنامه نویس ها و اداره رادیو...
رئیس - بفرمائید.

اسلامی - بنده دیروز عرایضی عرض کردم که تعریف شده است در روزنامه ها و رادیو (مکی - دورنامه بمجلس چه مربوط است) اعتراض مربوط بصورت جلسه مجلس است آقایان این مربوط بخود آقایان است، روزنامه نوشته بود که بنده پیشنهاد کردم دانشکده ضمیمه وزارت فرهنگ بشود، پیشنهاد بنده اینجا موجود است، بنده پیشنهاد کردم بود، دانشکده ضمیمه وزارت فرهنگ بشود، بجهت مناسبت... (دکتر بقائی - نتیجه پیشنهاد این بود) بجهت این که نماینده سه هزار نفر دانشجویان

عباس اسکندری - بنده قبل از شروع به

عرایض خودم خاطر مقام ریاست را مستحضر میکنم باینکه دستور فرمائید آقایان وزراء - موردا - بیاض هستند در جلسه همگی حضور داشته باشند چون بنده عقیده دارم مطالبی که من عرض میکنم در درجه اول خود آقایان وزراء باید جواب بدهند و آقایان وزراء

حضور ندارند، ضمناً تا بنده شروع میکنم بعرایض این روزنامه را بدهید با آقای نخست وزیر و بعضی از آقایان نمایندگانی که فرائض کنند و منظور آن کلیشه ای است که ندارد شده است در روزنامه ملاحظه بفرمائید.

ارشدان - در مجلس این صحبت ها شایسته نیست آقا ما برومان میرویم.

عباس اسکندری - بهمین دلیل آقای اردلان

بنده آنرا نخواندم هم احترام حیثیت مجلس شورای ملی را لازم میدانم و هم احترام تمام کشور ایران را و باین لحاظ رعایت ادب و احترام میکنم آری حق باشماست خواندن اینها ابدأ خوب نیست لسی این اداره تبلیغات دولت است منظورم این است که آقایان بدانند چه جور مملکت را اداره میکنند و اداره تبلیغات چه میکنند، این را برای این گفتیم که بخوانند والا بنده خودم شرم دارم و نمیتوانستم بخوانم. آقایان نمایندگانی که بل از این که شروع کنم بدنباله عرایض خودم، اظهار امتنان

دانشگاه ما آینده ایران است و تمام آن ها گردانی
کدر آنجا هستند، دانشجویانی که در آنجا تحصیل
میکنند، برادران، برسان، اولادان ما، خویشان و
بستان ما هستند و اینها ایران آینده را تشکیل خواهند
داد و اینک ایران آبادی انشاءالله درست میکنند که
برخلاف گذشته این نواقصی که هست مرتفع بشود
(صحیح است) حتی یکی از این آقایان بگویم به بنده
نوشته بود که این تعالیم اصول اسلامی را که دیروز شما
هم متوجه بودید در دوران قدیم مورد استفاده مردم این
کشور بوده است و میل داشت که این را هم بنده
یاد آور بشوم، این مطلب پنهانی نیست، کسانی
که در ایران قدیم و ایران جدید غیر از ایرانی ها
مطالعاتی کرده اند این ها این قضیه را قبول
دارند، پیرو فرزند آندانی که در امور اجتماعی
ایران مطالعات کامل کرده میگوید که هیچ ملتی
در عالم با اندازه ملت ایران دارای ادبیات و وسیع و
افکار اجتماعی نیست، این ملت ثروتمندترین مردم
است و حتی غیر از طبقه عالی این مملکت تمام
افراد نادان این کشور وقتی که شما مراجعه میکنید
در دهات و قصبات می بینید هر جمله ای که یک نفر
بیان میکند میگوید مثلا و یک مثلی هم برای آن
میگوید که برای آن مثل شما می توانید یک رساله
بنویسید، این ملت این اندازه غنی است از حیث
ادبیات و اصول اخلاقی و بعد اظهار تعجب میکنند
که چگونه یک ملتی با داشتن این همه اطلاعات و
مبانی اخلاقی چرا وضع روزگار این طور است
چرا آنچه می دانند عمل نمیکنند او مثل میزند
دوره های مختلف را میگوید، در دوره که دوره
عظمت ادبیات ایران است (مهندس خسرو هدایت -
استیضاح با ادبیات مربوط نیست) آن قسمت راجع
براه آهن میرسد، هجده نکند (خنده نمایندگان)
میگوید که در دوره عظمت و افتخار ایران و ادبیات
بلند پایه ای که دارد می بینیم در آن موقعی که
دنیا آن طور از هم منصل بود یعنی در هر دهکده ای
پهلوی ولایتی یا دشوری اگر کسی یک عملی میکرد
شاید قرن ها میگذشت که در چند فرسخی فاصله
کسی اصلاح پیدا نمیکرد و در یک چنین موقعی مردم
قوی الفکر شجاع، صریح الهیجه و با اراده در این
کشور بوده اند که نظیرشان کمتر بوده، او
اشاره میکند بدران عظمت سلطان محمود غزنوی
و بعد سقوط غزنویان آمدن آل سلجوق و مردم بنا
بر اینکه نان را بنرخ روز میخورند تمجید میکنند
از زمان سلجوقی ها در یک تصدیق معروفش میگوید که
بدور خویش چرا غره زید یاد کنید

چون مشی سیاسی جناب عالی و اصولیکه تا کنون
اصفا و پیروی فرموده اید با افکار و عقاید جوانان تحصیل
کرده و مباحث ترقیخواه کشور تطبیق و حسن امیدواری
وافر دلها ییاد میکنند لذا جامعه لیسانسهای دانشکده
علوم معقول و منقول بدینوسیله هم آنگهی خود را با آن
مبتاب نسبت باصول زیر ابراز میدارد:

۱- تحکیم مبانی حریت و آزادی و مبارزه با تجدید
قوانین دیکتاتوری،

۲- اجرای کامل مقررات قانون اساسی و
اصول مشروطیت بخصوص در قسمت تفکیک و تجربه
قوای ثلاثه.

۳- تعقیب برنامه ۷ ساله (همان و آبدادی)
۴- حفظ اصول و مبانی دینی و تقویت علوم و
مطارف اسلامی، توسعه و بسط تشکیلات دانشکده
معقول و منقول.

۵- پیروی از اصول موازنه سیاسی که لازمه اجرای
این اصل قطع ریشه سیاستهای استعماری و لشو
امتیاز نفت جنوب و استقرار حاکمیت ایران در
پسین است.

این اصولی است که آرزو و آمال هر فرد ایرانی
است و امیدوار است در تریونیات یک و ایمان خالص
که دارید بایانات مؤثر و استحکام منطقی که مخصوص
آن جناب است در استقرار آن اصول موفق و بتأییدات
خداوند متعال مؤید باشد با تقدیم احترامات فائمه رئیس
جامعه لیسانسهای معقول و منقول محمد نجفی شریعت زاده
و در اینجا یک قدری اظهار محبت به بنده شده است
از طرف دانشگاه، از طرف استادان و دبیران و
دانشجویان که به بنده مراجعه شده و این نامه نباید
میگفت نظر تمام آقایان نمایندگان و عموم افراد
کشور ایران را که ما دانشجویانی که داریم عوامان
هر مرحله ای که هستند اصول و مبانی و مبادی اخلاقی
خودشان را طبق تعالیم عالی ای که در این مملکت
بوده و هست آنها اجرا میکنند و خط مشیشان این
است و هر چه گناه جوانان روش جدیدی نه برای تری
این کشور اصلا میکنند مافی با اصول دنیائی خود
نمیاندند، اصول دنیائی البته با روش سیاسی با هم
در دو خط متوازی سیر میکنند ولی عموم افراد این
کشور معتقدند که باید منتقدات آنها و اصول عقایدشان
مسلطه نماید علی الخصوص که ما هم بنشور ملل متحد
که پیوسته ایم تأیید و تصدیق کرده ایم که آزادی
عقاید را حفظ میکنیم معنی آزادی عقاید این است که
برای یک مردمی را منحرف نکنند از روی زندقه کانی
که قانون این خودش جبر است یعنی هر کس میل
دارد روشی که ندارد داشته باشد و در هر مسجد که
باز باشد نماز بخواند او آزاد است البته بایستی احترام
باید بود و مسلط باشد بر روی کسی و این روش بر گرداند
در راه مطابق قانون اساسی و مطابق اصول
کما داریم و تعالیم دنیائی که ما داریم اجازه

برینت چنگش و فرسوده گشت دندانش
چو تیز گرد بر او مرگ چنگر دندان را
(احسن) این در دوره عظمت ادبیات ایران است
و این سبک را میگویند دوره ترکستانی بعد
میرسیم بدوره انحطاط ادبیات یعنی در زمانی که هجوم
منقول با بران شده است پیرو فرزند آندانی که در امور اجتماعی
ایران مطالعات کامل کرده میگوید که هیچ ملتی
در عالم با اندازه ملت ایران دارای ادبیات و وسیع و
افکار اجتماعی نیست، این ملت ثروتمندترین مردم
است و حتی غیر از طبقه عالی این مملکت تمام
افراد نادان این کشور وقتی که شما مراجعه میکنید
در دهات و قصبات می بینید هر جمله ای که یک نفر
بیان میکند میگوید مثلا و یک مثلی هم برای آن
میگوید که برای آن مثل شما می توانید یک رساله
بنویسید، این ملت این اندازه غنی است از حیث
ادبیات و اصول اخلاقی و بعد اظهار تعجب میکنند
که چگونه یک ملتی با داشتن این همه اطلاعات و
مبانی اخلاقی چرا وضع روزگار این طور است
چرا آنچه می دانند عمل نمیکنند او مثل میزند
دوره های مختلف را میگوید، در دوره که دوره
عظمت ادبیات ایران است (مهندس خسرو هدایت -
استیضاح با ادبیات مربوط نیست) آن قسمت راجع
براه آهن میرسد، هجده نکند (خنده نمایندگان)
میگوید که در دوره عظمت و افتخار ایران و ادبیات
بلند پایه ای که دارد می بینیم در آن موقعی که
دنیا آن طور از هم منصل بود یعنی در هر دهکده ای
پهلوی ولایتی یا دشوری اگر کسی یک عملی میکرد
شاید قرن ها میگذشت که در چند فرسخی فاصله
کسی اصلاح پیدا نمیکرد و در یک چنین موقعی مردم
قوی الفکر شجاع، صریح الهیجه و با اراده در این
کشور بوده اند که نظیرشان کمتر بوده، او
اشاره میکند بدران عظمت سلطان محمود غزنوی
و بعد سقوط غزنویان آمدن آل سلجوق و مردم بنا
بر اینکه نان را بنرخ روز میخورند تمجید میکنند
از زمان سلجوقی ها در یک تصدیق معروفش میگوید که
بدور خویش چرا غره زید یاد کنید

که مورد انتقاد رئیس الوزراء قبل لوید ژورژ شده
بود، لوید ژورژ انتقاد میکند از وزیر خارجه
انگلستان لرد کرزن سکه این فرار داد چیست؟
دولت انگلستان را این فرار داد از بین میبرد و
کوچک میکند چرا در برابر دولت ترکیه شما
تسلیم شده اید؟ ما مورسانسور آمده بودیم گفت، که
این عنوان را نگذارید من گفتم که این مقاله است،
ترجمه شده پس چکار کنم؟ میگفت، چون اسم روس
و انگلیس دارد نگذارید گفتم چکار کنم این مقاله
ترجمه است میگفت، نگذارید در مطلبش و در تمام مقاله
جای انگلیس افغانستان با جای دیگر (خنده نمایندگان)
مطلب این است آقا - آقایان همه از بنده خواهش
کرده اند قبل از اینکه بیایم در جلسه از پیش
در آمد زودتر وارد در آمد بشوم، چون بنده یک
پیش درآمدی دارم بعد داخل صحبت میشوم. آقای
اسلامی هم چون عجله دارند که به ما ندران تشریف
ببرند و میل داشته اند مطالبی را هم که به عرض آقایان
میرسانم بشنوند. اصرار داشتند که هر چه زودتر
خانه اش بیایم هر چند بنده ایشان عرض کردم که
شما تشریف ببرید بنده خلاصه اش را برایتان میفرستم
قبول نکردند موضوع استیضاح بنده از جناب آقای
حکیمی و از دولت ایشان و سایر آقایان وزراء با نوع
استیضاحی که سایر آقایان نمایندگان فرمودند فرق
دارد. مطالب و بیاناتی که آقای آشتیانی زاده
فرمودند با استثنای یک قسمتی از آن که بنظر بنده
صحیح نبود بقیه اش درست بود و بنده خیال میکنم
که حرف صحیح آن صحبتی است. آن گفته ای
است که مردم را براه راست دلالت کند.
چه حاجت که کرسی آسمان
نهی زیر پای قزل ارسلان
بگوروی ذلت تو بر خاک نه
مگو پای عزت بر افلاک نه
(دکتر بقائی - پس و پیش شد آقای اسکندری)
خوب ما گاهی از این کارها میکنیم (آقا خنده نمایندگان)
فرمایشات آقای شریعت زاده و آقای ابوالقاسم امینی
و آقای سزاوار تماش بنظر من صحیح بود، اما وارد دنیوی
حالا چرا؟ از برای این که اصل راجع در این مملکت
همین اوضاع هرج و مرج و بریز و بپاش هست، یعنی
مثلا شما انتظار داشتید که چه جور باشد، مثلا میخواستید
شما آقای امینی و آقای سزاوار یک مقداری نان آورده
اینجا گذاشتید و گفتید این نانی است که مردم میخورند
« به لعن استهزاء » چه میخواستید بخورند؟ همان نان
که بنده و کیل هستم و آقایان وزراء هم میخورند باید
آنها هم بخورند؟ نباید بخورند آقا، از برای اینکه
اگر اینطور باشد آن مردم یک چیز هائی میفهمند
و آن مردم در اینصورت ساکت نمیشوند، اصلا مردم
نان گندم نباید بخورند بنابراین این فرمایشات آقایان
وارد نبود این یک اصل مسلمی است، مثلا شما میخواستید
که ما مورین اداره غله چکار کنند یعنی میفرمائید که
یک خوراک گندم را با ۱۰۰۰۰ آف که حساب میکنند و میگیرند
این مقدار را بدهند دست نانوا که نان درست بکنند و
بدهند دست مردم، پس اداره غله و ما مورین غله چه
باید بکنند. همه را بدهند دست مردم (صحیح است)
البته در آنجا یک کارهائی هست یک کسی چهل من آشغال
داخل آرد میکنند بدهند مردم و در نتیجه همین
فانی است که شما فرمودید، در اینصورت من اعتراض

نمیدهد آن را منحرفش کرد بنده پیش دارم سکه
دانشگاه ما آینده ایران است و تمام آن ها گردانی
کدر آنجا هستند، دانشجویانی که در آنجا تحصیل
میکنند، برادران، برسان، اولادان ما، خویشان و
بستان ما هستند و اینها ایران آینده را تشکیل خواهند
داد و اینک ایران آبادی انشاءالله درست میکنند که
برخلاف گذشته این نواقصی که هست مرتفع بشود
(صحیح است) حتی یکی از این آقایان بگویم به بنده
نوشته بود که این تعالیم اصول اسلامی را که دیروز شما
هم متوجه بودید در دوران قدیم مورد استفاده مردم این
کشور بوده است و میل داشت که این را هم بنده
یاد آور بشوم، این مطلب پنهانی نیست، کسانی
که در ایران قدیم و ایران جدید غیر از ایرانی ها
مطالعاتی کرده اند این ها این قضیه را قبول
دارند، پیرو فرزند آندانی که در امور اجتماعی
ایران مطالعات کامل کرده میگوید که هیچ ملتی
در عالم با اندازه ملت ایران دارای ادبیات و وسیع و
افکار اجتماعی نیست، این ملت ثروتمندترین مردم
است و حتی غیر از طبقه عالی این مملکت تمام
افراد نادان این کشور وقتی که شما مراجعه میکنید
در دهات و قصبات می بینید هر جمله ای که یک نفر
بیان میکند میگوید مثلا و یک مثلی هم برای آن
میگوید که برای آن مثل شما می توانید یک رساله
بنویسید، این ملت این اندازه غنی است از حیث
ادبیات و اصول اخلاقی و بعد اظهار تعجب میکنند
که چگونه یک ملتی با داشتن این همه اطلاعات و
مبانی اخلاقی چرا وضع روزگار این طور است
چرا آنچه می دانند عمل نمیکنند او مثل میزند
دوره های مختلف را میگوید، در دوره که دوره
عظمت ادبیات ایران است (مهندس خسرو هدایت -
استیضاح با ادبیات مربوط نیست) آن قسمت راجع
براه آهن میرسد، هجده نکند (خنده نمایندگان)
میگوید که در دوره عظمت و افتخار ایران و ادبیات
بلند پایه ای که دارد می بینیم در آن موقعی که
دنیا آن طور از هم منصل بود یعنی در هر دهکده ای
پهلوی ولایتی یا دشوری اگر کسی یک عملی میکرد
شاید قرن ها میگذشت که در چند فرسخی فاصله
کسی اصلاح پیدا نمیکرد و در یک چنین موقعی مردم
قوی الفکر شجاع، صریح الهیجه و با اراده در این
کشور بوده اند که نظیرشان کمتر بوده، او
اشاره میکند بدران عظمت سلطان محمود غزنوی
و بعد سقوط غزنویان آمدن آل سلجوق و مردم بنا
بر اینکه نان را بنرخ روز میخورند تمجید میکنند
از زمان سلجوقی ها در یک تصدیق معروفش میگوید که
بدور خویش چرا غره زید یاد کنید

شما را وارد نمیدانم و این اعتراض وارد نیست اداره
غله یک رئیس داشت، نیرالدین خان بیرزاده، او هم
مثل شما خواست جمع نبود و همین کار ما را میکرد که
نان صحیح مردم بخورند برای این عمل او را کنار
گذاشتند، این کاره نیست اداره غله یک وظایفی
دارد بر مردم یک شکل معینی میشود نان داد همینطور
نان سفید و پاکیزه و بعد رویش خشخاش بریزند
بدهند بر مردم عله هم همان نان را بخورد؟ تغییر،
چرا بخورد تعلق بر معال میکنند این اعتراض را نمیشود
کرد، یک قسمتی راجع به وزارت بازرگان بود که
وزارت بازرگانی یک حوازهائی خارج از سهمیه
میده که موضوع ده هزار تن جو بود که آقای وزیر
دائمی در جواب آقایان دفعه اول یک خورده توب
و تشر زدند دیدند نشد دفعه دوم واقعا با خوش صحبتی
جلب نظر مجلس را کردند، این ده هزار تن جو در
این که مسلم است هر تن ۵۰ لیره خریده میشد و
خریدار داشت و دولت آقای حکیمی در چهل و دو
لیره داد یعنی هشتاد هزار لیره کمتر و بعد هم در این
که مسلم است که لیره بجای چهار دلار هشت سنت
سه دلار و بیست سنت تبدیل شد و اینجا هم چهار-
صد و هشتاد هزار دلار فرق دارد معجل تردید نیست
اما این را هم من باز وارد نمیدانم، از برای اینکه
انحصار ها در حدود اختیار دولت است دولت عمل
خلاف قانون در این جا نمیکند، یعنی این که آزاد
است طبق یک ماده ای که اگر مقتضی دید یک مقدار
جنس خارج بکند، یا یک چیزهائی را اجازه بدهد
وارد شود، این در حدود اختیارات دولت است منتهی
علی که از طرف آقای قوام السلطنه شده است، من
خیال میکنم نشان میدهد که قوام السلطنه ساده ترین و
ناشی ترین رجال است که در این مملکت از نظر کار
بوده است قوام السلطنه را با این که سالخورده
و کهنسال و دارای تجربه سیاسی میگفتند در این کار
بخصوص مثل اینکه تجربه نداشت یعنی آمد حزب
درست کرد بعد هم برای مخارج آن از هدایا فکری
کرد که مخارجش را تأمین کند در پشت دهن کرسی
خطابه آمد گفت نمیتوانستم از متن بوجه پول بردارم
و باین کار هم احتیاج داشتیم (مهندس رضوی -
چه مانعی داشت؟) یک خرجی هم داشتیم آمدیم و
این کار را کردیم و بعد هم پول ما را بردند در بانک
حساب هم باز کردند و پول ما را در حساب ریختند
و این عمل باین صورت در آمد، آقای وزیر داد گسرتی
بگفته خودشان البته طبق مقررات و قوانین عمل کردند،
حالا وزرای دیگری هستند که بسیار مجربند
و این قضیه را مسبقند و باضافه اگر خوب هم مسبق
نباشند آقای سروری هستند میفرمائید که آقا جریان
این است و گذشته را تعقیب میکنند چه ازوم دارد
که ما مورین اداره غله چکار کنند یعنی میفرمائید که
یک خوراک گندم را با ۱۰۰۰۰ آف که حساب میکنند و میگیرند
این مقدار را بدهند دست نانوا که نان درست بکنند و
بدهند دست مردم، پس اداره غله و ما مورین غله چه
باید بکنند. همه را بدهند دست مردم (صحیح است)
البته در آنجا یک کارهائی هست یک کسی چهل من آشغال
داخل آرد میکنند بدهند مردم و در نتیجه همین
فانی است که شما فرمودید، در اینصورت من اعتراض

دعیم کسی با نمیتواند بگوید عمل خلاف
کردید میگویم غیر آقا طبق قانون انحصار
موارد مجاز دولت است و ما حق داشتیم که حساب
بکنیم و بعد هم پولها که نشان ندارد آقا، آرد
پول را بگیرد و به جایی ریخته نمیشود اما در خارج
مردم میدانند و میفهمند، بداند و البته حرف بر این
است که وقتی که شما از آن پیشنهادی که از یک
لیره در چهل و دو لیره معامله میکنند هشت لیره
تفاوت هست حرف که بالاخره در محکم و کشور
ایران مؤثر نیست این خبر ها چه تأثیری دارد نه
بر کج نه چیز، فقط میگویند که ما حق داشتیم
این کار را بکنیم وقتی هم این حق را داشتیم من
این اعتراض را وارد نمیدانم میگویند که ما بودیم
و استادی هم در دست نیست که فاش شود کسانی که
ساده هستند باید حربه ناشی گری خودشان را
بمقدم بنده بدهند مثلا سهمیه ای وزارت بازرگانی
منتشر کرد بعد برای این سهمیه بهر تاجری هم
صدی نیم بیشتر داده نمیشود در همین اسفند ماه
گذشته تصویب نامه ای صادر شد برای لوله های
چاه عمیق و چیز های دیگر که اصلا جزء سهمیه
نیود بالاخره سیصد هزار دلار در ارز سه تومان
و دو قران و دو عباسی داده شد یک تاجر بخصوص
خلاف جریان، اما خلاف قانون نبود، چون در سهمیه
هم نوشته بود کسی دیگر هم تقاضا نکرد اصل مقدار اعتبار
در سهمیه هشت هزار دلار بیشتر نبود سیصد هزار دلار
تصویب نامه صادر شد، این تصویب نامه عملا بطور
رایج یک میلیون و صد هزار تومان هم اقت دارد
معامله هم شد، اما خوب این عمل هم خلاف قاعده
نیست دولت در حدود اختیار دولت است میتوانست تصویب نامه
صادر کند، این اعتراضات که وارد نیست!! من این
را قبول نمیکنم و حرف آقایان استیضاح کنندگان
هم صحیح نیست، دولت حق دارد، شما قانونا باو
اجازه دادید او میتواند امروز این کار را بکند،
او مقتضی میدانند میکند که عمل خلاف قانون کرد
چلو او را بگیرد او حساب باز نکرده و نشانه ای هم
ندارد اگر خلاف قانون اساسی رفتار کرد، مخالف
قوانین جاریه عمل کرد شما بقیه اش را بچسبید
بن آقایان وزراء مثل اینکه بیشتر بنده ارادت
باقای اردلان دارم ایشان مسبق هستند که استیضاح
کنندگان چه میگویند و مجلس هم چه رای میدهد
وزراء هم علی الاصول نباید گوش بدهند، این است
وقتی که داخل صحبت میشوند از تمام بیاناتی که یکی
دوتا از آقایان بیان کردند همه را صرف نظر کردند
فقط کدو استنجاج را یاد داشت نمودند من
خیال میکنم علت آن این بود که خودشان هم از
گرائی آن منتهض میبودند و صبح هم شاید با ناظر خانه
سر این موضوع دعوا بوده از موضوع مسبق شده
بودند این بود که آمدند و گفتند که آقا صبح هم
با کاران فروختند با ناظر هم دعوا کردم، شما چه
میگویند؟ (خنده نمایندگان) بعضی هائی میگویند
که شما چرا کارمندان دولت را از سر کار خارج می
کنید و چرا کارمندان تازه استخدام میکنید آقا اگر
دولت این اختیار را نداشته باشد چه داشته باشد؟
دولت مسئول امور مملکت است شما باو مسئولیت داده
رای اعتماد باو دادید او میدانند باجه کسی میخواهد
کار بکند، این در حدود اختیارات دولت است

برینت چنگش و فرسوده گشت دندانش
چو تیز گرد بر او مرگ چنگر دندان را
(احسن) این در دوره عظمت ادبیات ایران است
و این سبک را میگویند دوره ترکستانی بعد
میرسیم بدوره انحطاط ادبیات یعنی در زمانی که هجوم
منقول با بران شده است پیرو فرزند آندانی که در امور اجتماعی
ایران مطالعات کامل کرده میگوید که هیچ ملتی
در عالم با اندازه ملت ایران دارای ادبیات و وسیع و
افکار اجتماعی نیست، این ملت ثروتمندترین مردم
است و حتی غیر از طبقه عالی این مملکت تمام
افراد نادان این کشور وقتی که شما مراجعه میکنید
در دهات و قصبات می بینید هر جمله ای که یک نفر
بیان میکند میگوید مثلا و یک مثلی هم برای آن
میگوید که برای آن مثل شما می توانید یک رساله
بنویسید، این ملت این اندازه غنی است از حیث
ادبیات و اصول اخلاقی و بعد اظهار تعجب میکنند
که چگونه یک ملتی با داشتن این همه اطلاعات و
مبانی اخلاقی چرا وضع روزگار این طور است
چرا آنچه می دانند عمل نمیکنند او مثل میزند
دوره های مختلف را میگوید، در دوره که دوره
عظمت ادبیات ایران است (مهندس خسرو هدایت -
استیضاح با ادبیات مربوط نیست) آن قسمت راجع
براه آهن میرسد، هجده نکند (خنده نمایندگان)
میگوید که در دوره عظمت و افتخار ایران و ادبیات
بلند پایه ای که دارد می بینیم در آن موقعی که
دنیا آن طور از هم منصل بود یعنی در هر دهکده ای
پهلوی ولایتی یا دشوری اگر کسی یک عملی میکرد
شاید قرن ها میگذشت که در چند فرسخی فاصله
کسی اصلاح پیدا نمیکرد و در یک چنین موقعی مردم
قوی الفکر شجاع، صریح الهیجه و با اراده در این
کشور بوده اند که نظیرشان کمتر بوده، او
اشاره میکند بدران عظمت سلطان محمود غزنوی
و بعد سقوط غزنویان آمدن آل سلجوق و مردم بنا
بر اینکه نان را بنرخ روز میخورند تمجید میکنند
از زمان سلجوقی ها در یک تصدیق معروفش میگوید که
بدور خویش چرا غره زید یاد کنید

وزیر اقتصاد ملی (آقای دکتر سجادی) -
بنده مقصد دارم که تمام آقایان نمایندگان محترم متفقدین
که باید برای این منکعت کار ایجاد کرد و این هم
واقفاً باین وسیله نیست که دولت یک دستگاهی یک
اداره‌ای برادارنش بیفزاید یا اینکه بدستگاه
اداریش توسعه بدهد تا اینکه کار برای مردم ایجاد شود.
توسعه کار یعنی توسعه کشاورزی یعنی ایجاد وسایل
تولید آب یعنی ایجاد کارخانه و دولت در حدودی
که وسایلی اجازه میدهد البته کارخانه هم آورده
و باز هم کارخانه منکعت بیاورد دو کارخانه قند
آورده کارخانه چیت سازی طهران است که الان
مشغولند و باز هم دولت اگر وسایلی پیدا بکند این
کار را خواهد کرد اما معقلاً این نوع کارها یعنی
صناعت و کشاورزی بایستی بدست افراد بشود
(صحیح است) و کمک‌هایی که دولت در این کار میکند
دادن ارز است برای کارخانجات و برای وسایل تولید
آب این را که آقای اسکندری فرمودند که یک کفتر
ارز داده شده برای ایجاد وسایل تولید فراهم کردن
آب این مطلب درست است آقای اسکندری تا حالا
بدون فکر بود هم بسی نفر دیگر هر قدر که بخواهند
مراجعه بکنند داده میشود برای هیچکس امتیاز خاصی
قائل نشده‌ایم هر کس مراجعه کرده و نشان داده
است مدارکی را که دلالت بر این امر میکند یعنی
این وسایل را برای ملکیت فراهم میکند دانه
شده و داده خواهد شد. بنده از آقای اسکندری
خواهش میکنم یک قسمی کارخانه چیت سازی تهران
بگذارید ببینید کاری را که انجام داده‌اند (صحیح
است) و همچنین بنگاه حمایت مادران که مشغول
ساختن هستند یک چاهی هم آنجا احداث شده شریف
بیرید آنجا و آنها را ببینید (یک نفر از نمایندگان -
راجع تراکتور هم بفرماید) آنهم درست خواهد
شد، اما راجع بمشله نخ فرمودید، موضوع نخ
از مدتی که بنده در وزارت اقتصاد ملی هستم به
بانک صنعتی دستور داده شده که نخ را بیافندگان
فقط باید بفروشند سایر محصولات کارخانجات را
مثلاً قند و شکر را بسقط فروش و قماش را به براز
بفروشند تمام محصولات و تولیدات کارخانجات و
باید بآن کسانی که اهل آن سرفه هستند بفروشند
همین طور هم عمل شده بنده خیال نمیکنم اگر
یک سکه‌ای یکی از آقایان نمایندگان
برسد این دلیل این نیست که آن نماینده هم باید لول آن
کافه موافق باشد ممکن است که موافق هم نباشد
و هزار جور تقاضا از آقایان نمایندگان بکنند
و آنهایی که تقاضای قانونی نباشد پاره کنند و
ترتیب اثر هم ندهند (صحیح است) این مانع ندارد
کافدی را یک کسی نوشته اند و در آن مورد هم
که عرض کردم اگر یک تجاری مراجعه بکند بیاناتک
صنعتی و بگوید تعداد دستگاه‌های من این است
و مقدار احتیاج دستگاه‌های من نخ بدهید وظیفه
بانک صنعتی هم این است که نخ بدهد
آقای اسکندری - بنده متقاضی مانع

وزیر دارائی - بنظر بنده یکی از عیبهای
ملکیت مایعی ما ایرانیها یا وزیر یا نماینده محترم
این است که وقتی یک چیزی را می خرید درصده
آن برنیابیم که تعقیب کنیم دقت کنیم به بینیم
این حرفی که زده میشود خوب است یا بد است
حق است یا ناحق است بعضی اینکه شنیده‌ایم اگر
یک نسبتی یک کسی بدهند چون بطور کلی بدین
هستیم عصبانی میشویم و بد هم در جاهای رسمی
ملکیت میکوئیم. در مجلس میکوئیم و همچنین
راجع به چیز خوب و اگر واقفاً می کنیم سکه
در هر چیزی که می شویم اهل دقت بشویم اهل تحقیق بشویم
در صد تفحص و تحقیق بر آیم از وزیر مربوط از ادارات
مربوط بعد از اینکه تمام آنها را از روی پرونده
و دوسه مطالعه کردیم بد بیائیم با استاد و مدارک
بگوئیم که این عمل خلاف واقع است، این خلاف
قانون است البته این طور خیلی بهتر است و البته
چیزیکه اساس ندارد در یک جای رسمی مثل مجلس
ده مرتبه گفته شود آنوقت فرجاید هم بنویسند
آنوقت ملاحظه بفرمائید که آن شخص چه وزیر
باشد چه نماینده باشد چه سوه تأییدی در ملکیت
و در مردم ایجاد میکند؟ بنده من باید عمل
را

وزیر دارائی - بنظر بنده یکی از عیبهای
ملکیت مایعی ما ایرانیها یا وزیر یا نماینده محترم
این است که وقتی یک چیزی را می خرید درصده
آن برنیابیم که تعقیب کنیم دقت کنیم به بینیم
این حرفی که زده میشود خوب است یا بد است
حق است یا ناحق است بعضی اینکه شنیده‌ایم اگر
یک نسبتی یک کسی بدهند چون بطور کلی بدین
هستیم عصبانی میشویم و بد هم در جاهای رسمی
ملکیت میکوئیم. در مجلس میکوئیم و همچنین
راجع به چیز خوب و اگر واقفاً می کنیم سکه
در هر چیزی که می شویم اهل دقت بشویم اهل تحقیق بشویم
در صد تفحص و تحقیق بر آیم از وزیر مربوط از ادارات
مربوط بعد از اینکه تمام آنها را از روی پرونده
و دوسه مطالعه کردیم بد بیائیم با استاد و مدارک
بگوئیم که این عمل خلاف واقع است، این خلاف
قانون است البته این طور خیلی بهتر است و البته
چیزیکه اساس ندارد در یک جای رسمی مثل مجلس
ده مرتبه گفته شود آنوقت فرجاید هم بنویسند
آنوقت ملاحظه بفرمائید که آن شخص چه وزیر
باشد چه نماینده باشد چه سوه تأییدی در ملکیت
و در مردم ایجاد میکند؟ بنده من باید عمل
را

وزیر دارائی - بنظر بنده یکی از عیبهای
ملکیت مایعی ما ایرانیها یا وزیر یا نماینده محترم
این است که وقتی یک چیزی را می خرید درصده
آن برنیابیم که تعقیب کنیم دقت کنیم به بینیم
این حرفی که زده میشود خوب است یا بد است
حق است یا ناحق است بعضی اینکه شنیده‌ایم اگر
یک نسبتی یک کسی بدهند چون بطور کلی بدین
هستیم عصبانی میشویم و بد هم در جاهای رسمی
ملکیت میکوئیم. در مجلس میکوئیم و همچنین
راجع به چیز خوب و اگر واقفاً می کنیم سکه
در هر چیزی که می شویم اهل دقت بشویم اهل تحقیق بشویم
در صد تفحص و تحقیق بر آیم از وزیر مربوط از ادارات
مربوط بعد از اینکه تمام آنها را از روی پرونده
و دوسه مطالعه کردیم بد بیائیم با استاد و مدارک
بگوئیم که این عمل خلاف واقع است، این خلاف
قانون است البته این طور خیلی بهتر است و البته
چیزیکه اساس ندارد در یک جای رسمی مثل مجلس
ده مرتبه گفته شود آنوقت فرجاید هم بنویسند
آنوقت ملاحظه بفرمائید که آن شخص چه وزیر
باشد چه نماینده باشد چه سوه تأییدی در ملکیت
و در مردم ایجاد میکند؟ بنده من باید عمل
را

وزیر دارائی - بنظر بنده یکی از عیبهای
ملکیت مایعی ما ایرانیها یا وزیر یا نماینده محترم
این است که وقتی یک چیزی را می خرید درصده
آن برنیابیم که تعقیب کنیم دقت کنیم به بینیم
این حرفی که زده میشود خوب است یا بد است
حق است یا ناحق است بعضی اینکه شنیده‌ایم اگر
یک نسبتی یک کسی بدهند چون بطور کلی بدین
هستیم عصبانی میشویم و بد هم در جاهای رسمی
ملکیت میکوئیم. در مجلس میکوئیم و همچنین
راجع به چیز خوب و اگر واقفاً می کنیم سکه
در هر چیزی که می شویم اهل دقت بشویم اهل تحقیق بشویم
در صد تفحص و تحقیق بر آیم از وزیر مربوط از ادارات
مربوط بعد از اینکه تمام آنها را از روی پرونده
و دوسه مطالعه کردیم بد بیائیم با استاد و مدارک
بگوئیم که این عمل خلاف واقع است، این خلاف
قانون است البته این طور خیلی بهتر است و البته
چیزیکه اساس ندارد در یک جای رسمی مثل مجلس
ده مرتبه گفته شود آنوقت فرجاید هم بنویسند
آنوقت ملاحظه بفرمائید که آن شخص چه وزیر
باشد چه نماینده باشد چه سوه تأییدی در ملکیت
و در مردم ایجاد میکند؟ بنده من باید عمل
را

وزیر دارائی - بنظر بنده یکی از عیبهای
ملکیت مایعی ما ایرانیها یا وزیر یا نماینده محترم
این است که وقتی یک چیزی را می خرید درصده
آن برنیابیم که تعقیب کنیم دقت کنیم به بینیم
این حرفی که زده میشود خوب است یا بد است
حق است یا ناحق است بعضی اینکه شنیده‌ایم اگر
یک نسبتی یک کسی بدهند چون بطور کلی بدین
هستیم عصبانی میشویم و بد هم در جاهای رسمی
ملکیت میکوئیم. در مجلس میکوئیم و همچنین
راجع به چیز خوب و اگر واقفاً می کنیم سکه
در هر چیزی که می شویم اهل دقت بشویم اهل تحقیق بشویم
در صد تفحص و تحقیق بر آیم از وزیر مربوط از ادارات
مربوط بعد از اینکه تمام آنها را از روی پرونده
و دوسه مطالعه کردیم بد بیائیم با استاد و مدارک
بگوئیم که این عمل خلاف واقع است، این خلاف
قانون است البته این طور خیلی بهتر است و البته
چیزیکه اساس ندارد در یک جای رسمی مثل مجلس
ده مرتبه گفته شود آنوقت فرجاید هم بنویسند
آنوقت ملاحظه بفرمائید که آن شخص چه وزیر
باشد چه نماینده باشد چه سوه تأییدی در ملکیت
و در مردم ایجاد میکند؟ بنده من باید عمل
را

وزیر دارائی - بنظر بنده یکی از عیبهای
ملکیت مایعی ما ایرانیها یا وزیر یا نماینده محترم
این است که وقتی یک چیزی را می خرید درصده
آن برنیابیم که تعقیب کنیم دقت کنیم به بینیم
این حرفی که زده میشود خوب است یا بد است
حق است یا ناحق است بعضی اینکه شنیده‌ایم اگر
یک نسبتی یک کسی بدهند چون بطور کلی بدین
هستیم عصبانی میشویم و بد هم در جاهای رسمی
ملکیت میکوئیم. در مجلس میکوئیم و همچنین
راجع به چیز خوب و اگر واقفاً می کنیم سکه
در هر چیزی که می شویم اهل دقت بشویم اهل تحقیق بشویم
در صد تفحص و تحقیق بر آیم از وزیر مربوط از ادارات
مربوط بعد از اینکه تمام آنها را از روی پرونده
و دوسه مطالعه کردیم بد بیائیم با استاد و مدارک
بگوئیم که این عمل خلاف واقع است، این خلاف
قانون است البته این طور خیلی بهتر است و البته
چیزیکه اساس ندارد در یک جای رسمی مثل مجلس
ده مرتبه گفته شود آنوقت فرجاید هم بنویسند
آنوقت ملاحظه بفرمائید که آن شخص چه وزیر
باشد چه نماینده باشد چه سوه تأییدی در ملکیت
و در مردم ایجاد میکند؟ بنده من باید عمل
را

ایشان هم در میان است که منتهی خوشی قرار می‌گیرد
تشیوالم و غیره که سابقاً در کارهای وزارت دارایی
آلی کایت یکم جنابالی را از این ایرادات حذف
بکنم. ما نظر شخصی که نداشتیم. آن ایرادانی که
در قسمت مالی در امور مالی و اقتصادی وزارت دارایی
شده بود و در کابینه سابق عرض کردم و از عمرانی
زندگی و هر چه زندگی حکایت میکردیم. یک روز
هم در موقع طرح ۲ دوازدهم اینجا بیان می‌کردم
نشان دادم که علت الطلگیری این مملکت در بودجه
مملکت است و راه اصلاحش را هم نشان دادم بوزیر
دارائی وقت و انتظار داشتم که بعد از سه ماه که شما
قانون اساسی را تصویب کردید که باید در یازدهم
اسفند شما بودجه را در مجلس گذرانیده باشید من
میخواستم این ایراد را بشما بکنم برای اینکه اگر
این ایراد را بشما نمی‌کردم آقای وزیر حق داشتند
گله بکنند از بنده که شما یک طریقت شخصی با من
دارید خیر ما با آقای وزیر و غیره کاری نداریم ما با
آقای وزیر دارائی سروکار داریم (صحیح است)
اما این که راجع بدانستگاه فرمودید، چون موضوع
استیضاح مطرح بود، بنده نخواستیم که جزء استیضاح
کنندگان باشم، اما یک گله‌ای بود که میخواستیم
بکنیم و آن این است که چون خود شما فرمودید
نظرتان اینست که اشخاص باسواد بشوند و لااقل سواد
نوشتن و خواندن را یاد بگیرند راجع با آقایان آموزگاران
و کمک آموزگاران که هفته‌ای ۲۶ ساعت تدریس
میکنند برای اینکه سواد خواندن و نوشتن را بیارند
یاد بدهند این هائیک حقوقشان را هم بهشان نمیدهند
این گناه است که بنده گفتم خواستم که شما یک مطالعه
بکنید؟ و خواستم بگویم که شما با دانشگاهی لطف
هستید؟ چون با آقای وزیر فرزندک عرض کردم که
چرا لایحه تأسیس دانشگاه تبریز را نمی‌آورید گفتند
که این لایحه را مدتی است تهیه کرده‌اند و در کیف
آقای وزیر دارائی لایحه تأسیس دانشگاه تبریز در
شده، اگر گله‌ای دلایب از خودتان بفرمائید، اما
اینکه راجع بدانستگاه فرمودید بنده عرض نکردم که
شما دشمن دانشگاه هستید ولی حلیات شما نشان میدهد
که لطف ندارید بدانستگاه مخصوصاً بدانستگاه حقوق
و ادبیات، جنابالی اگر وزیر دارائی هستید بقدر
کفایت اجازه بدهید ولی در حدود وزارت دارائی
شما کارهای اقتصادی مملکت را اداره بکنید شما

مملکت را برین مبنی بیان خودتان را بکنید
رئیس - آقای امینی - این حرفها چیست آقای شما خیال
بکنید که با کدانی در این مملکت فقط کافی است
این اشکال تکان بدهد و وارد نیست و بنده هیچوجه
بجایزه نمیختم و مطا حرف من صحت بکنید.
مهندس رضوی - تمام فشارتان روی
مبنی تمام مضمون است.

امینی - .. بلی آقای آن اعتراضی که بنده
کردم بود عرض کنم که در تبصره ۲ لایحه سه
دوازدهم بودجه سال گذشته که خود آقای وزیر
دوائی گفتند سرایت داشت که دولت در ظرف
یکسال نسبت به تصویب نامه‌ها تکلیف را معین کند یا
باید تصویب نامه‌ها را تأیید کند یا وارد مجلس یا
باید لغو بکنند این در تبصره ۲ دوازدهم هست، این
خودش نقض قانون است، آنوقت آقای این را نمی
فرمائید ولی مطالب را بیک صورت دیگری تفسیر می
کنید، یکی دیگر ماده ۲ است که درآمد حاصله از
خرید و فروش اراضی ۲۰ درصد مالیات میگیرند
این صحیح نیست آقای، یکی هم از خرید و فروش و
ساختن املاک مزرعی.

رئیس - شما در حدود ماده ۱۰۹ بفرمائید
لیو القاسم امینی - آقای وزیر دارائی
فرمودند که این اینطور نیست تکذیب میکنند و هر چه
که تکذیب کردند بگریز برای ایشان دلاکتیون اکلوزه
در صورتیکه اینطور نیست و مطالبی که بنده عرض می
کنم و ایشان تکذیب بکنند، این صحیح نیست و
بنده را قانع نمیکنند.

رئیس - آقای دکتر متین دفترى مطابق
ماده ۱۰۹ بیان می‌دارید بفرمائید.
دکتر متین دفترى - چون سوابق آزادت
بنده با آقای وزیر دارائی خودشان میدانند
بی سال است سابقه دارم در وزارت خارجه هم با

و کدام دانشگاه در تهران است
است. آنچه مربوط بشورای عالی فرهنگ است
شورای عالی فرهنگ باید مطلق بکنند که کدام
را تصویب بکنند و کدام را وسیع بکنند شما حق
ندارید در این کارها دخالت بکنید، شما حق
میگوئید من طرفدار طبقه سوم هستم، نباید این چهار
هستم من طرفدار طبقه سوم هستم، نباید این چهار
دانشگاه حقوق و دانشکده ادبیات یک تصویب
بکنید و راه دومی را برای اشخاص طبقه دوم و
طبقه سوم ببندید، این کارها نمیشود آقای، ما این
بحث را انشاءالله در موقع دیگر در موقعی که بودجه
طرح شد مفصلاً صحبت خواهیم کرد زیرا نمیتوانم
از حدود ماده ۱۰۹ خارج بشوم.

رئیس - دو پیشنهاد رسیده متضاد هر دو
را قرائت کنید
ریاست محترم مجلس شورای ملی چون آقای
اسکندری مخالف هستند و بیانشان تمام نشده
پیشنهاد مینمایم که جلسه بعنوان تنفس ختم و جلسه
بفردا موکول شود.
حاذقی - مخالف
تصمیمت ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم از
نقطه نظر تبیین تکلیف دولت و رفع بی تکلیفی
مذاکرات در اطراف استیضاح کافی روای گرفته شود
مهندس رضوی - پیشنهاد بنده که مقدم
بود چرا قرائت نکردند چرا تبصیر میشود.
رئیس - پیشنهاد شما مقدم نبود بعد از این
پیشنهادها رسیده حالا قرائت میشود

مهندس رضوی - مال بنده مقدم بود
رئیس - شما که نمی‌دانید مقدم رسیده یا غیر
بهر حال قرائت میشود.
کفایت مذاکرات را در باره دولت پیشنهاد
میکنم. احمد رضوی
رئیس - کفایت مذاکرات در مورد استیضاح
وارد نیست (صحیح است) زیرا باید استیضاح کننده‌گان
مطالبشان را بیان کنند و الا اگر ممکن بود
روز اول یک نفر که حرف میزد حق داشتند اکثریت
رای بکفایت مذاکرات بدهند به عقیده بنده فردا روز
دو خنبه آقایان تشریف بیاورند اگر آقای اسکندری
آمد آمد اگر نیامد آن وقت تکلیف معین میشود
جلسه آینده فردا ساعت هشت صبح
(مجلس سه ربع بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل شد)